

# ایران زندگی

برای یافتن راه‌های استخراج منابع گرانبه‌به کمک رویت‌ها

**پای کاوشگر ژاپنی به «ماه» باز می‌شود**

◀ | صفحه ۱۵

راهکارهایی برای پایداری جریان آب در نصف جهان

**کام‌هایی کوچک برای احیای زاینده‌رود**

◀ | صفحه ۱۶

**نقش موزه‌ها**

**در همگرایی ملی**



وحدید بهمن  
تاریخ پژوه

**یادداشت**

موزه‌ها یکی از مهم‌ترین مکان‌ها در جهان مدرن برای شناخت تمدن‌ها و آثار باستانی و تاریخ و فرهنگ و هنر و... کشورها و ملت‌های مختلف در طول تاریخ است. نقش مهم موزه‌ها در شناساندن تاریخ و هویت و فرهنگ و هنر و... کشورمان برای مردم ایران، بویژه نسل جوان و نیز گردشگران خارجی زمانی دو چندان می‌شود که بدانیم ایران یکی از کهن‌ترین و اولین خاستگاه‌های تمدن‌های بشری در جهان بوده است.

ایران به عنوان یکی از اولین خاستگاه‌های غارنشینی، یکجانشینی، کشاورزی، روستانشینی و شهرنشینی و تشکیل جوامع اولیه انسان‌ها در طول تاریخ و همچنین خاستگاه چندین دولت نامدار و پیشرو در جهان باستان بمانند ایلامیان و مادها و هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان و همچنین به عنوان یکی از نخستین خاستگاه‌های دستیابی به دانش‌هایی به‌مانند ساخت ساروج و پخت آجر و استحصال قیر و ذوب و ساخت انواع فلزات مختلف، از نظر باستانشناسی و تاریخی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای در جهان دانش است.

با توجه به مواردی که برشمردیم، غنای مثال زدنی مناطق مختلف کشورمان از نظر آثار تاریخی و باستانشناسی کاملاً طبیعی است و در نوع خود بی‌مانند؛ از زاگرس تا سیستان و بلوچستان، از خراسان تا خوزستان و از آذربایجان تا کرمان و سواحل خلیج همیشگی پارس. هر چند که سابقه کاوش‌های باستان‌شناختی در کشورمان به دست شرق‌شناسان اروپایی به اواسط دوران قاجار می‌رسد اما نخستین موزه مدرن و اصولی کشورمان سال ۱۳۱۶ خورشیدی در شهر تهران و با عنوان موزه ایران باستان تأسیس شده است. با این مقدمه کوتاه درباره اهمیت موزه‌ها، لزوم توجه ویژه و ملی به موزه‌های کشورمان، بویژه موزه‌های شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها بیشتر احساس می‌شود. در یک نگاه ملی و دوراندیشانه می‌توان این امکان را مهیا کرد که موزه‌های شهرهای بزرگ کشور، علاوه بر معرفی و شناساندن آثار شهر و استان خود، به محلی برای معرفی و شناساندن آثار تاریخی و باستانی مناطق دیگر کشورمان نیز تبدیل شوند. بدین ترتیب علاوه بر شناخت آثار ارزشمند ملی و تاریخی مناطق دیگر ایران و نیز افزودن بر غنای موزه‌ها، حس همگرایی و همدلی نیز با گذر زمان افزایش پیدا خواهد کرد. برای تبیین بهتر این ایده و پیشنهاد ملی که پیش‌تر در چند موزه اصلی کشورمان مانند موزه‌های ملی در تهران و تبریز به اجرا درآمد، نیاز به توضیح بیشتری از روند نگهداری و انبار کردن آثار تاریخی و باستانی در انبارهای محوطه‌های باستانی مثل تخت جمشید یا موزه ملی در تهران و... داریم. بسیاری از آثار ارزشمند و بی‌مانند تاریخی از دوره‌های مختلف تاریخی همچون ایلامیان و مادها و هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان و حتی تمدن‌های کهن‌تری به‌مانند شهر سوخته و شهباد و جیرفت و... در انبارهای موزه ملی و انبارهای موزه‌های استان‌های مربوطه و نیز در انبارهای محوطه‌های باستانی به‌مانند تخت جمشید و پاسارگاد و... وجود دارند که هرگز و با خیلی کم امکان نمایش و معرفی به عموم مردم را داشته‌اند.

براین اساس می‌توان با ارائه و پیگیری یک طرح ملی اقدامات و مقدمات لازم برای به نمایش گذاشتن آثار تاریخی ارزشمند انبارهای موزه‌ها و محوطه‌های باستانی کشور را در موزه‌های شهرها و مراکز استان‌ها فراهم کرد. این روش در کنار ایده به نمایش گذاشتن آثار تاریخی یکدیگر از طرف موزه‌ها، می‌تواند به غنای موزه‌ها افزوده و باعث جذب بیشتر علاقه‌مندان به موزه‌ها شود و همچنین موزه‌های کشورمان از حالت محلی خارج و هرکدام به یک موزه ملی تبدیل می‌شوند.



عکس‌ها: آتین حقیقی/ایران

اغلب تندیس‌های این دوره، یونانی‌مآبی را می‌شود در آنها دید و در نهایت عطردان‌های شیشه‌ای ساسانی که محل کشف آنها را داریوش هخامنشی شروع کنید و برسید ن نوشته‌اند و این نشان می‌دهد، نیروی انتظامی از قاجاقچی گرفته است. کتیبه سنگی هخامنشی هم محل کشف ندارد، کتیبه‌ای که به گفته رضوی کارشناس موزه، نگار با دستگاه چاپ حروف میخی را روی آن حک کرده‌اند؛ چنان به قاعده و منظم که باور نمی‌کنی کار دست باشد: «خدای بزرگ، اهورامزدا که این یوم را آفرید و آسمان و مردم را آفرید و شادی را برای مردم آفرید، خشیارشا را شاه کرد، یک شاه از بسیاری و یک فرمانروا از بسیاری.

هرگاه که شادی مردم سرزمین من را ببینید، بر شما آشکار خواهد شد که من آنان را خشنود کردم چنانکه پیش از من، داریوش که پدر من بود، به خواست اهورامزدا مردم بسیاری را خشنود کرد. پس ای اهورامزدا بیای شهریار مرا و آنچه را که برای مردم کردم.»

وارد سالن دوره اسلامی در طبقه فوقانی می‌شوم. اینجا هم قدیمی‌ترین و پرتیرین، اولین و پرتیرین سمت راست است با همان توالی تاریخی و نظم آنتهین مربوط به هر دوره اما من که این نکته را یادم رفته، برعکس حرکت می‌کنم تا اینکه از قاجاریه برسم به سامانیان و حکومت‌های کوچک پس از اسلام مثل طاهریان و صفاریان. در این سالن، رنگ و نقش و نگار، دوره‌های تاریخی را از هم متمایز می‌کند، مثل آبی فیروزه‌ای که رنگ غالب دوره صفویه است و یک دست از همین چینی‌های نفیس را هم شاه عباس کبیر وقف بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی کرده و رویش نوشته «وقف آستان شاه صفی نمود، بنده ولایت عباس».

اینجا می‌توانید ساعت‌ها به چینی‌های تک‌رنگ و بدون نقش و نگار کرمان و چینی‌های پرنقش و نگار اردبیل و ظروف ساده و لعابدار گرگان و نیشابور زل بزنید و از تماشا سیر نشوید. وسط سالن هم هدیه‌های چشم‌نوازی می‌بینید از دربار چین و فرانسه و روسیه و... که هرکدامش داستانی دارد سنجیدی. مجال اندک است و باید به سالن سکه‌های تاریخی هم سر بزنم، اگر دو سالن تمدن پیش از اسلام و پس از اسلام را ندیده



مرور ۷ هزار سال تاریخ ایران در موزه آذربایجان تبریز

## به قد است خاک، به درخشش الماس

◀ | **محمد مطلق**  
گزارش نویسی

چه کسی باور می‌کند ۷ هزار سال پیش، زمانی که خیری از چرخ سفالگری نبود در اسماعیل‌آباد یا موشلان تپه دشت قزوین، سفالی به این طرافت با خطوط متقارن و نقش‌ونگاری چنین چشم‌نواز بسازند؛ سفالینه‌های پایه‌دار یا لبه‌هایی به نازکی چینی‌های سلطنتی شبیه میوه‌خوری و آجیل‌خوری، کاسه‌های بدون پایه سوپ‌خوری و لیوان‌هایی به‌غایت مدرن و امروزی که همین حالا هم می‌شود پشت و پرتیرین گذاشت و به جوانی مشکل‌پسند فروخت.

برای دیدن این اشیای ۷ هزار ساله باید راهی تبریز و موزه آذربایجان شوید؛ موزه‌ای که در آن فاصله هر ویتترین از ویتترین کناری خود هزارسال است. سیدعلی رضوی کارشناس این موزه می‌گوید: «گاهی که برای بازدیدکنندگان خارجی درباره قدمت اشیای هر ویتترین و فاصله زمانی آنها توضیح می‌دهیم، دهان‌شان از تعجب باز می‌ماند.»

۷ هزار سال برای ما عادی است، اما خودتان را بگذارید جای شهروندی که قدمت کشورش ۲۰۰ سال هم نیست، آن وقت معنی هزار را بهتر درک می‌کنید.

موزه آذربایجان تبریز، پس از موزه ایران باستان تهران، دومین موزه ملی کشور از نظر قدمت و تعداد اشیاست و آثار آن متعلق به تمام نقاط ایران؛ از نیشابور و جیرفت و شیراز گرفته تا چشمه‌علی شهرداری و تبریز و مراغه. این موزه که با ۶۰ سال قدمت یکی از قدیمی‌ترین موزه‌های ایران به شمار می‌رود در سال‌های ۳۶ و ۳۷ خورشیدی توسط آندره گدار، معمار و باستان‌شناس فرانسوی طراحی و در سال ۴۱ به بهره‌برداری رسید؛ بنایی ساده و باشکوه با ۴ سالن وسیع در ۳ طبقه. از دیگر بناهای گدار که زمانی رئیس پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود می‌توان به حافظیه شیراز، موزه ایران باستان تهران و مدرسه ایرانشهر یزد اشاره کرد.

طبقه زیرزمین موزه جنبه نمایشگاهی دارد و هر چند ماه یکبار موضوع آن تغییر می‌کند و حالا هم دارند آماده‌اش می‌کنند برای نمایش آثار به دست آمده از روستای سرند هریس. پیش از این در این نمایشگاه

یا موزه موقت، عروسک‌های دوره قاجار، قفل‌های نفیس ایران، ظروف رزینه و سیمینه هخامنشی و ساسانی، آخرین یافته‌های باستانشناسی آذربایجان و... به نمایش درآمده است.

از رضوی درباره رنگ‌ها می‌پرسم، می‌گوید: «رنگ‌های ۷ هزار سال پیش معمولاً گیاهی هستند، اما از هزاره بعد رنگ‌های کانی هم مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مثلاً جایی آب داخل گودی سنگ آهن جمع شده و آن را اکسیده کرده و تبدیل به رنگ شده؛ رنگ‌هایی که برای تزئین ظروف شهروخته به کار رفته از این جنس است.»

سفال‌های به دست آمده از شهروخته سیستمان و بلوچستان، کنار ویتترین موشلان تپه دشت قزوین، مجموعه‌ای است از چند تنگ و لیوان و کاسه و ظروف کوچکی شبیه قدقان که از تماشایش سیر نمی‌شوید. چشم که بچرخانید سفال‌هایی هم می‌بینید که به عمد کج‌وکوله شده و همین به زیبایی اثر افزوده و جلوه‌ای مدرن و امروزی به آن داده است. اما اجازه دهید هزاره به هزاره پیش برویم تا برسیم به هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان. بعد باید برویم طبقه بالا و آثار پس از اسلام را مرور کنیم و سالن روبه‌روی آن که مخصوص سکه و مهر است و نقشه قلمرو ایران در هر حکومت هم روی ویتترین سکه‌های رایج همان زمان. اینجا نظم و توالی تاریخی طوری است که مثل یک کلاس درس می‌توانید از اولین و پرتیرین سمت راست شروع کنید و ۷ هزار سال تاریخ را گام به گام بیاموزید.

هزار سال بعد یا ۵ هزار سال پیش، ایرانیان به فنون کنترل حرارت و افزایش تراکم کربن در کوره پخت سفال دست پیدا کردند و سفال‌های خاکستری را جایگزین سفال‌های نخودی کردند. در این ویتترین اشیایی شبیه کیف مشکی و منقش زنانه می‌بینید که در جیرفت به دست آمده و آن طور که می‌گویید مخصوص آیین برداشت محصول و جشن شکرگزاری آیین بوده است.

تا همین جا کافی است بدانم ارزش یک مشت خاک، بارها و بارها بالاتر از طلا و جواهر است و آنچه اینجا در موزه آذربایجان، تاریخ و فرهنگ و تمدن یک ملت را روایت می‌کند، نه الماس و طلا و نقره که یک مشت خاک

اینجا دو سردیس گچی بسیار زیبای اشکانی هم هست که از هشتروند در جنوب آذربایجان شرقی کشف شده است و مثل